

# نگاه کن!

تکرار سانحه سقوط در آسمان ایران

رئیس جمهوری دستور جلوگیری از پرواز هواپیماهای «ایران ۱۴۰» را صادر کرد  
«شهروند» بررسی می کند: دلیل حادثه تکراری «ایران ۱۴۰» چقدر با داخلی سازی مرتبط است



شدند. امدادگران با بیرون کشیدن ۱۱ مصدوم حادثه عملیات نجات آنها را اکید زدند. یک زن و ۲ مرد با انجام اقدامات درمانی مناسب توسط بالگرد اورژانس تهران به بیمارستان امام خمینی (س) منتقل شدند. ۶ نفر از مصدومان نیز توسط آمبولانس ون به بیمارستان پیامبران منتقل شدند. امدادگران مرکز اورژانس تهران در محل حضور داشته و تا پاکسازی کامل محل، پوشش امدادی منطقه را به عهده داشتند.

**یک ساعت بعد از حادثه**

هنوز بوی سوختگی در فضا به مشام می رسید. مأموران نیروی انتظامی در کنار آتش ها و نیروهای سپاه در حال دور کردن مردم از صحنه هستند. هر کسی از تعداد مصدومان و کشته شده ها چیزی می گوید. مشاهدات نشان می دهد که هواپیما پس از سقوط با دیوار پادگان نظامی برخورد کرده است. هیچ کس اجازه عکسبرداری ندارد...

▲ ادامه در صفحات ۵ و ۸

کردند. همزمان گروه های نجات آتش نشانی مشغول خارج کردن اجساد از بقایای هواپیمای حادثه دیده شدند. نیروهای آتش نشانی از چند جبهه برای بیرون آوردن کشته شدگان هواپیما وارد عمل شدند. بلافاصله اجساد به محل دیگر منتقل شد. به این خاطر آمار تلفات در لحظات اولیه مشخص نبود. وی گفت: مجموعاً در این حادثه ۱۲۰ آتش نشانی و نجانبگر با بکارگیری ۱۵ دستگاه انواع خودروی آتش نشانی عملیات کردند. کلیات عملیات تا ساعت ۱۴ ظهر به پایان رسید و مأموران پس از این احیا و مهار آتش به لکه گیری و ایمن سازی محل دست زدند تا صحنه حادثه را برای بررسی های بیشتر به عوامل فرودگاهی تحویل دهند.

**عملیات اورژانس**

با مخیره خبر سقوط مرگبار هواپیما ۱۴۰ آنتونوف تعداد ۶ دستگاه آمبولانس به همراه ۲ دستگاه اتوبوس آمبولانس و یک بالگرد امداد هوایی به محل اعزام

**عملیات ۱۲۰ آتش نشانی در سانحه هوایی**

سیدجلال ملکی سخنگوی سازمان آتش نشانی به شهروند گفت: وقوع این سانحه هوایی در ساعت ۰۹:۲۳ صبح یکشنبه ۱۹ مرداد به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد. ستاد فرماندهی این سازمان با در نظر گرفتن شرایط خاصی این حادثه، بلافاصله آتش نشانی ایستگاههای ۴۵، ۱۰۴، ۹۸، ۲۰ و گروه های نجات ۸، ۶، ۷، ۳ را به محل سقوط هواپیما در جاده مخصوص کرج، شهرک آزادی اعزام کرد. بررسی ها نشان می داد که یک فروند هواپیما مسافری ایران ۱۴۰ به علت نامعلومی پس از عبور از ساختمان های مسکونی شهرک آزادی، در بخش جنگلی و فضای سبز سقوط کرد. وی افزود: هنگام رسیدن نیروها، از محل حادثه شعله های آتش و دود سیاه غلیظی به ارتفاع دهها متر به آسمان رفته می کشید که آتش نشانی بلافاصله وارد عملیات شده و با بکارگیری چندین رشته لوله آب پرفشار آتش نشانی، این آتش سوزی را خاموش

تهران بلافاصله نیروهای زمین و هوایی جمعیت هلال احمر به محل حادثه اعزام شدند. حسین درخشان سخنگوی سازمان امداد و نجات هلال احمر در رابطه با این خبر به شهروند گفت: ما بخیره خبر سقوط هواپیما تیم های امداد و نجات هلال احمر متشکل از ۶۰ امدادگر، ۱۰ آمبولانس، ۵ دستگاه ست نجات و یک بالگرد هوایی به محل سانحه سقوط هواپیما اعزام شدند. با رسیدن مأموران امدادگر به محل حادثه عملیات نجات کلید خورد. تحقیقات اولیه نشان می داد بیشتر سرنشینان هواپیما سانحه دیده در غرب تهران جان خود را از دست داده بودند و تعدادی از آنها با بالگرد اورژانس به بیمارستان منتقل شدند. نیروهای امدادی هلال احمر از همان دقیق نخست عملیات خود را برای خارج کردن اجساد قربانیان از لابه لای آهن های سسوخته لاشه هواپیما آغاز کردند. ۳۸ قربانی این حادثه توسط نیروهای هلال احمر هاسازی شدند.

سرنشینی که داشت از فرودگاه مهرآباد ترک کرد. اما هیچ کلام از سرنشینان هواپیما فکرش را هم نمی کرد. حادثه ای شوم در انتظارشان نشسته است.

**اطلاعات خبر حادثه**

ساعت ۰۹:۳۰ صبح دیروز بود که رهگذران بلوار شیخه سازی در جاده مخصوص کرج شاهد حادثه ای هولناک بودند. یک هواپیما بزرگ مسافری که انگار تعادل خود را از دست داده بود به زمین نزدیک شد و سقوط کرد. هنوز چند دقیقه ای از حادثه نگذشته بود که صدای خودروهای آتش نشانی و اورژانس در فضای بلوار شیخه سازی پیچید. حادثه از آن چیزی که گزارش داده شده بود وخیم تر به نظر می رسید. آتش نشانیان بلافاصله به روپرو بودند که کار تقاضای چندین متر می رسید. حالا باید دست به کار می شدند تا هر چه سریع تر آتش را خاموش می کردند.

**سرخپوشان بر بالین پرواز شماره ۵۹۱۵**

با به صدا در آمدن زنگ خطر در پایگاه هلال احمر

**جعفر پاکزاد - پنهان مقدسی | گروه حوادث | پرواز**

هواپیمای مسیر تهران - طیس متعلق به شرکت پند سیاهان ایر با ۴۸ مسافر و خدمه پرواز، هنگام بلند شدن از انتهای باند فرودگاه مهرآباد یک موتور خود را از دست داد و در شمال جاده مخصوص کرج سقوط کرد. برخورد هواپیما ایران ۱۴۰ با دیواره بتونی ۳۸ کشته و ۱۰ مجروح برجای گذاشت.

شعله های آتش تا چند متر به هوا برخاسته بود. تمام خیابان پر از دود و آتش شده بود. ماجرا مربوط به سقوط یک هواپیما بود. شاهان ماجرا از دیدن صحنه سقوط هواپیما شوکه شده بودند. هیچ کس تصویری را که در مقابل چشمش رخ داده بود باور نمی کرد. صحنه ای که تا به آن روز شاهان ماجرا فقط در فیلم های هالیوودی دیده بودند. در این حادثه ۳۸ نفر از مسافران جان باختند.

ساعت چند دقیقه ای از ۹ صبح دیروز گذشته بود که هواپیمایی سیاهان، تهران را به مقصد طیس با ۴۸

**دیدگاه**

**حق حیات در نقطه صفر زندگی**

اشاره تندر و صالح | روزنامه نگار

بزرگترین پشتوانه حقوقی شهروندی و ابتدایی ترین آن، حق حیات در نقطه صفر زندگی است. به عبارتی، انسان های تابع قوانین و مقررات حقوقی یک کشور، در نقطه آغاز حیات اجتماعی خود در جامعه، با اتکا به حق حیات، شهروندی خودشان را آغاز می کنند. نقطه آغاز شهروندی و استیغای حقوق شهروندی را نمی توانیم بگوییم؟

حادثه دیروز صبح بار دیگر وجدان در غبار خلیشه شهروندی مان را گردگیری کرد. یک هواپیمای مسافری ساخت وطن در برابر چشمان وحشت زده شهروندی که در اتوبوس و ماشین های مسواری در حال رفتن به سر کار خود بودند پرپر شدن نهال جان دهها موطن را تصویر کرد.

جناب آقای رئیس جمهوری محترم، رئیس مجلس محترم، قوه قضائیه!

وقوع اتفاقاتی از این دست، پیش از آنکه سایه رنج هولناکش را بر سر شهروندان بی گناه و محروم از حق پرش بگستراند می بایستی شمار دار آستانه تصمیمات مهم، و حیاتی در ابقای حیات شهروندی مصمم سازد. متأسفانه در سال های گذشته به شکل و شیوه های توهین آمیز، حق حیات شهروندی ما راندایده گرفته اند.

ما هیچ نمی خواهیم جز حق پرسش از چنین اتفاقاتی که حیات اجتماعی و ابتدایی ترین حق انسانی و شهروندی مان را نشانه رفته اند. لطفاً به داد ما برسید.

متشخص کنید چه کسانی و کدام دستگاه ها، مسبب وقوع چنین پیشامدهای هولناکند؛ که جان و حق حیات شهروندان ما را اینگونه به حراج گذاشته اند.

**یادداشت**

**این هفت سین جهنمی!**

امهدی پورمحمدی |

استاندارهای ایران نظارت داشتند! آتشنشانی می کردند. حتی در زمان جنگ هم بهترین ها را می خریدیم حتی محدودیت های بودجه ای و کمبودهای ارزی زمان جنگ هم ایران را به ورطه بنجل خری نینداخت. حق هم همین بود، زیرا دولت های قبل از ۱۳۸۴ به رغم آن که شعار های پوپولیستی نمی دادند برای مردم ارزش قابل بودند و حفظ سلامتی و بهداشت و جان مردمی که برای حفظ کشور و حمایت از اسلام از بذل جان های عزیز خود دریغ نداشتند را وظیفه اصلی خود تلقی می کردند. عجیب نیست که در همان دوران پراشوب جنگ تحمیلی سازمان بهداشت جهانی از تلاش های ایران در زمینه بهداشت و درمان که توانسته بود مرگ میرمداران و نوزادان زیر یکسال را تا حد قابل توجهی کاهش دهد تقدیر و تشکر کرد. یادتان هست که بیماری های ابله و فلج اطفال در چه سال هایی و در زمان کدام دولت ها ریشه کن شد.

**هفت سین جهنمی از کی در خانه هایمان پهن شد؟**

اما دریغ که از سال ۱۳۸۴ به بعد اول «سه سین» جهنمی دامن مردم را گرفت که هنوز ول کردنی نیست. «سونامی سرطان و سکنه» سه سینی بودند که به جای سین های سلامتی هفت سین اعیانمان

▲ ادامه در صفحه ۱۷

**یادداشت**

از اول انقلاب تا ۱۳۸۴ دقت نظر و وسواس بازرین و مأمورین کنترل کیفیت مادر بین تجار و بازرگانان خارجی زمانزاده بوده است. یک صادرکننده گوشت در کشور اروگوئه در سال ۱۳۶۷ به صاحب این قلم گفت ما با بازرین برخی دیگر از کشورها خیلی مشکل نداریم. ذابچین آنها را هر خط تولید قرار می دهیم و به هر کدام از بقیه افراد که بازرین و کنترل کنندگان کیفیت باشند یک کارت مشروب و به اندازه کافی پول توجیبی می دهیم و آنها را به سواحل پونتادالسته<sup>(۱)</sup> می فرستیم و وقتی کالایشان آماده حمل شد آنها را برای تأیید کیفیت محموله ها خبر می کنیم، اما امان از بازرین و مأمورین کنترل کیفیت ایرانی که از صبح علی الطلوع تا آخرین ثانیه کار کشتارگاه در همه قسمت های تولید حضور دارند. در سال های گذشته، مدیر فروش شرکت سانکو<sup>(۲)</sup> از بزرگترین تولید کنندگان محصولات لبنی در جهان، مدیر عامل شرکت دلسمیا تولیدکننده شکر در آرژانتین، فروشنده گان پنیر فتا<sup>(۳)</sup> و گوشت گوساله در دانمارک و صادر کنندگان ماهی، گندم، پودر ماهی، سویا، ذرت، برنج، روغن نباتی خام و گوشت و مرغ در آرژانتین، اروگوئه و برزیل، همگی این حد از دقت و وسواس مأمورین خرید شرکت بازرگانی دولتی ایران و بازرین و مأمورین کنترل کیفیت ایرانی را که علاوه بر موسسات کنترل کیفیت بین المللی بر مطابقت مشخصات اجناس خریداری شده با قرارداد خرید و

**یادداشت**

وقتی در پراید نشستند به این فکر می کنید که اریه مرگ شما را همراهی می کند. بعد گاهی اوقات هوس می کنید راهی سفر شوید، مانده اید با همان پراید یا وطنی بنشینید و به مرگ فکر کنید. فرقی نمی کند، مرگ مثل ما، با به پای شما می شود و همه سفر زیر گویشتان می خواند. با هر ماشین دیگری هم راهی سفر شوید باز این خیال رهاپتان نمی کند، چون از یک گمان جاده ها استانداردها نیستند و سوزی دیگر، اتوبوس های چینی هم می توانند با همان جدیت پراید یک مرتبه شما را به هوا بفرستند. قطار ظاهراً همراه خوبی است ولی نمی تواند پایش را در همه جای کشور دراز کند. جالب اینجاست که دیروز همزمان با سقوط هواپیما، یک قطار نشان داد که آنها هم می توانند از ریل خارج شوند. گاهی اوقات این نتیجه حاصل می شود که بهترین کار نیستستن در خانه و پشت کردن به سفر است. در این گونه مواقع، هر از گاهی آدم ها دوست دارند تا برای آن که دل تنهایی شان تازه شود کمی در خیابان ها قدم بزنند، آن وقت ذرات معلق بنزین غیراستاندارد برفهات را می گیرند و باز در این گمان فرو می روی که باید جرعه جرعه سرطان استنشام کنی. این چادرست همان نقطه ای است که تصمیم می گیری دلت را به دریا بزنن و بگویی هر چه بادا باد و به زندگی ات ادامه دهی اما ناگهان خبر مرگ کودک همسایه در این دور آلوده رهایت نمی کند و از ته دل افسوس می خوری که چقدر سخت شده است زندگی و چقدر مرگ دستش را دراز کرده است و کلاه از روی سر همه بر می دارد. راستش را بخواهید این «همه» مهم ترین و کلیدی ترین بخش ماجرا است. باید به این «همه» با تمام وجود نگاه کرد.

▲ ادامه در صفحه ۱۸

**یادداشت**

**مرگ، قرارمان نبود**

علی دهقان |

... این قرارمان نبود، باور کنید این قرارمون نبود که زندگی مثل پتکی در هوا بپرد و دایم سایه اش پر بکشد و هر لحظه منتظر باشی که روی سرت سقوط کند. اینجا، یعنی همین حوالی زندگی ما شبیه میدان مینی شده است که فقط کافی است نوک پایت غمزهای کند و روی گونه میدان را خراشی کوچک بیندازد، آن وقت زمین و زمان سیاه می شود و تاز می شود و مرگ مثل گلوله در گلوله تغییر می کشد. این قرارمان نبود که آن قدر زندگی سخت شود تا ما، مردمان این دیار قدیمی از زنده ماندن زندگی کردن واهمه داشته باشیم. این روزهای ما روزهای عجیبی شده است که حتماً تاریخ برایش شمع می رسم یادبود روشن می کند، چون مانده ایم تا از لیخن زندگی سیراب شویم، یا چشم هایمان را باز کنیم، به اندازه یک نعلبکی تا طعمه مرگ در زمین و هوا نشویم. مردن و نماندن داستان هر لحظه زندگی ما شده است. ماجرا از طلوع خورشید آغاز می شود. یعنی از وقتی که صبح شده است و می خواهی روزت را با یک لیوان شیر آغاز کنی باید به مرگ فکر کنی، و تاز می شود و مرگ مثل گلوله در گلوله تغییر می کشد. این قرارمان باز هم باید با این فکر بازی کنی که کاری کرده ای که مرگ را به خودت نزدیک تر کرده ای. این خیال، فانوس روشن رویاهای ما شده است. فکرش را نکنید، صبح شده است و ابتدایی ترین غذای انسان، یعنی شیر را در بدن چرخانده اید برای همین کمی تا مقدار زیادی واهمه دارید که احتمالاً مقداری روغن سرطان زا از گلو پایین داده اید. از خانه بیرون می زید و سوار پرایدهایی می شوید که تا کسی شده اند و پیکان های قدیمی را رو سفید کرده اند. تا کسی ها یا همان پراید را سفیر مرگ می دانند چون سالی چندین هزار نفر را به کام مرگ می فرستند. تا

و شهریار، رفقا کریم اسلامپور  
بهارستان، ملارد، شهر قدس  
**مکتب فرهنگی آستان البرز**  
ضمیمه رایگان روزنامه امروز

سرپرست: رضا عباس زاده  
۰۲۶-۳۴۴۵۸۸۸۰-۲  
کرج، سهر اهگوردهشت، ساختمان ققنوس، طبقه هشتم، واحد ۲۹

اداره کل راه و ترابری استان البرز  
**آگهی فراخوان عرضه زمین**  
(ماده ۱۰۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت)  
رجوع به صفحه ۴